



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِلَهُ خَيْرٍ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

قال الله العلي العظيم في كتابه العلي الحكيم: فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي التُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ

راهنمای

طب نجومی یا تحمّم طیبی

راهنمای اطباء و مہجنان کهن و اسلامی در حوزہ تشخیص طیبی و مدیریت درمان

و بکارگیری دانش نجوم و تحمّم برای بہداشت و سلامتی تن و روان

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی: داسر المعارف الإلهیّت

تحقیق و تدوین:

پژوہ سگدہ علوم طب جامع و پژوہ سگدہ تقویم نجوم و تحمّم بنیاد حیات اعلی



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين إله خير ناصر ومعين الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وعلي وآلهما الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين أبدأ بدين
قال العلي الحكيم وصي النبي الكريم: من اقتبس علما من علوم النجوم من حملة القرآن إزداد به إيمانا و يقينا
افق مبناي مرسولات نجومی: ساعت جهانی KMT مکه مکرمه کعبه مشرفه

هفته نامه

راه آسمان

آموزش و تبیین مباحث تقویم و نجوم و تحجیم اسلامی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشرف علی: داسر المعارف الإلهیة

ارائه و نشر: پژوهشگر علوم نجوم و تقویم و تحجیم بنیاد حیات اعلی

هفته نامه راه آسمان شماره: ۳۷۷

۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۳ = ۱ مه ۲۰۱۴

فهرست کتاب راهنمای طب نجومی یا تنجیم طیبی

ترتیب	موضوع	صفحه
جزء ۱	ارتباط اجزای اجسام عالم هستی با نشانه های فلکی و نجوم و کواکب	۸
۱	پیش نیاز کاربرد راهنمای طب نجومی یا تنجیم طیبی	۹
۲	ارتباط نشانه های فلکی با اوصاف و ألقاب مولا علی <small>علیه السلام</small>	۱۱
۳	جلوه حکمت الهی در طب نجومی یا تنجیم طیبی	۱۳
۴	ارتباط طبیعیات و همه اجزاء عالم اجسام با نشانه های فلکی و نجوم	۱۴
۵	منسوبات کواکب سبعة سیاره متعلقه به علم طب	۲۳
جزء ۲	ارتباط اندامها و حواس آدمی با نشانه های فلکی و نجوم و کواکب آسمانی	۳۷
۶	سیر انسان در عوالم متعدده آفریده الهی	۳۹
۷	دلالت فلکی: کواکب (= قلم) x بروج (= لوح)	۴۴
۸	طبع و مزاج بروج	۴۵
۹	دلالت بروج بر اعضاء و اندامهای بشر	۴۷
۱۰	ارتباط اندامهای آدمی با بروج دوازده گانه آسمانی	۴۸
۱۱	ارتباط اندامها با بروج به دلالت اولیه و ثانویه	۵۰
۱۲	سبب تفاوت در برخی نظرات نجومی	۵۲
۱۳	تفصیل دلالات بروج بر اعضاء و اجزای بدن انسان	۵۵
۱۴	اعضاء و اجزای بدن مرتبط با برج حمل	۵۵
۱۵	اعضاء و اجزای بدن مرتبط با برج ثور	۶۲

۷۰	اعضاء و اجزای بدن مرتبط با برج جوزا	۱۶
۷۸	اعضاء و اجزای بدن مرتبط با برج سرطان	۱۷
۹۲	اعضاء و اجزای بدن مرتبط با برج اسد	۱۸
۱۰۳	اعضاء و اجزای بدن مرتبط با برج سنبله	۱۹
۱۱۷	اعضاء و اجزای بدن مرتبط با برج میزان	۲۰
۱۳۱	اعضاء و اجزای بدن مرتبط با برج عقرب	۲۱
۱۴۱	اعضاء و اجزای بدن مرتبط با برج قوس	۲۲
۱۴۹	اعضاء و اجزای بدن مرتبط با برج جدی	۲۳
۱۵۷	اعضاء و اجزای بدن مرتبط با برج دلو	۲۴
۱۶۲	اعضاء و اجزای بدن مرتبط با برج حوت	۲۵
۱۶۸	ارتباط اندامهای آدی با کواکب آسمانی	۲۶
۱۶۹	جدول پیوند اعضا و آلات و حواس و اخلاط با کواکب و بروج بیوت	۲۷
۱۷۵	ارتباط بیماریهای آدی با نشانه های فلکی و نجوم و کواکب آسمانی	جزء ۳
۱۷۷	دلالات (جزئی) بروج بر بیماریهای آدی	۲۸
۱۸۰	دلالات طبی برج مقابل	۲۹
۱۸۲	دلالات بروج بر انواع کلی بیماریها	۳۰
۱۸۴	دلالات بروج بر رویکرد بیماری در برابر درمان	۳۱
۱۸۵	طبایع کواکب	۳۲
۱۸۷	دلالات کواکب بر بیماریهای آدی	۳۳
۱۸۹	دلالات طبی کوکب برج	۳۴
۱۹۱	مهمترین احوال کواکب در دلالت بر سلامتی و بیماری	۳۵

۱۹۳	تشخیص پزشکی با نشانه های فلکی و نجوم و کواکب آسمانی	جزء ۴
۱۹۶	روشهای نجومی تشخیص طبی	۳۶
۱۹۷	۱- تشخیص نجومی طبی با تقویم طبی	۳۷
۱۹۸	۲- تشخیص نجومی طبی با تنجیم موالید (زایچه مولود - طالع تولد)	۳۸
۲۰۰	۳- تشخیص نجومی طبی با تنجیم مسائل یا تنجیم ساعی (طالع سؤال)	۳۹
۲۰۳	۴- تشخیص نجومی طبی با تنجیم آغاز واقعه (بیماری یا طبابت یا عیادت)	۴۰
۲۰۴	۵- تشخیص نجومی طبی با تنجیم کلان (احکام سَنَى العالم یا طالع سال)	۴۱
۲۰۶	مبادی و مداخل استخراج و تشخیص نجومی طبی	۴۲
۲۰۷	نتایج قابل استخراج در تشخیص نجومی طبی	۴۳
۲۰۹	تشخیص بیمار بودن یا تندرست بودن	۴۴
۲۱۱	تشخیص علت اصلی بیماری (سرایت - مزاجی)	۴۵
۲۱۴	تشخیص آفت اندام یا نوع و اندام بیماری	۴۶
۲۳۲	تشخیص درمان آسان و سریع؛ بی وسیله طبابت	۴۷
۲۳۳	تشخیص خفیف یا شدید بودن بیماری	۴۸
۲۳۷	تشخیص سریع العلاج یا مزمن بودن بیماری	۴۹
۲۳۹	تشخیص عوارض و بیماری دیگر سبب شدن	۵۰
۲۴۰	تشخیص اوقات و مدت و سرانجام بحران	۵۱
۲۴۷	تشخیص احوال طبیب (علم، توانایی، میزان موفقیت، و رفتار با بیمار)	۵۲
۲۴۹	تشخیص نوع دارو و ابزار طبی لازم در معالجه	۵۳
۲۵۰	تشخیص میزان تأثیر و عدم تأثیر دارو و غذا	۵۴
۲۵۱	تشخیص ارتباط بیمار با (طبیب، برنامه درمان، خانواده و همراهی)	۵۵

۴۵۳	تشخیص قابل علاج یا لاعلاج بودن	۵۶
۴۵۴	تشخیص سرانجام بیماری؛ شفا یا مرگ، علت و بیماری مرگ	۵۷
۴۶۱	تشخیص هزینه معالجه (صدقه، اجرت طبیب، تهیه دارو و...)	۵۸
۴۶۲	تشخیص زمینه شیوع عمومی بیماریها (همه گیری = اپیدمی)	۵۹
۴۷۴	ارتباط داروهای طبی با نشانه های فلکی و نجوم و کواکب آسمانی	جزء ۵
۴۷۶	تشخیص نجومی و هنگام شناسی طبی کاربرد داروهای گیاهی	۶۰
۴۷۷	انواع ارتباطات گیاهان دارویی با کواکب سبعة	۶۱
۴۸۰	داروهای گیاهی منسوب به کواکب سبعة (بیان به اجمال)	۶۲
۴۸۱	تعیین نوع کاربرد داروهای گیاهی بر اساس دلالات فلکی	۶۳
۴۸۲	داروهای گیاهی منسوب به کواکب سبعة (بیان به تفصیل)	۶۴
۴۹۲	قوت و ضعف داروها و گیاهان به نسبت قوت کواکب آنها	۶۵
۴۹۲	شرایط نجومی: کاشت، رویش، پرورش، برداشت، ساخت، تجویز، کاربرد	۶۶
۴۹۴	هنگام شناسی نجومی اقدامات پزشکی و عملیات طبی	جزء ۶
۴۹۶	هنگام شناسی و توصیه های طبی و بهداشتی سلامت جسم و روان	۶۷
۴۹۸	در معرفت کاربردهای دلالات طبی و روش بکارگیری آنها	۶۸
۳۰۰	هنگام شناسی طبی فصول و تقویم اسکندر ذوالقرنین	۶۹
۳۱۷	هنگام شناسی طبی خسوف و کسوف	۷۰
۳۱۹	هنگام شناسی طبی نور قمر	۷۱
۳۲۰	هنگام شناسی طبی اهله قمر	۷۲
۳۲۶	هنگام شناسی طبی احوال و اتصالات کواکب	۷۳
۳۵۰	راهنمای اختیارات نجومی طبی	۷۴

۳۵۳	راهنمای اختیارات طبي بروج قمر	۷۵
۳۵۸	راهنمای نجومی اقدامات معمول پزشکی در هر درمان	۷۶
۳۶۱	راهنمای نجومی اقدامات (غیر تهاجمی) پزشکی (دفع زواید اخلاط، به کار بردن دارو از: دهان، بینی و گوش، چشم، انتهای روده، مهبل، پوست)	۷۷
۳۷۴	راهنمای نجومی اقدامات تهاجمی پزشکی (جراحی و لیزر درمانی و نمونه برداری، فصد و حجامت، شوک حرارتی، دندان پزشکی، چشم پزشکی)	۷۸
۳۷۵	اوقات محذور و شرایط مشترك اقدام تهاجمی بر همه اعضا	۷۹
۳۸۳	راهنمای نجومی اقدامات مراقبتی و بهداشتی (حمام قدیم و سونا، اصلاح موی سر، تنویر، گرفتن کودک از شیر مادر)	۸۰
۳۸۹	کاربرد احکام طبي ساعات کواکب در پزشکی	۸۱
۳۹۸	اختیارات ساده در شرایط محدودیت انتخاب	۸۲
۳۹۹	انجام امور در اوقات محذوره	۸۳
۴۰۳	آیین آغاز و انجام سال قمری	۸۴
۴۰۴	منابع علمی کتاب راهنمای طب نجومی	۸۵
۴۱۰	آثار منتشره در علوم تقویم نجوم و تنجیم بنیاد حیات اعلی	۸۴
۴۱۷	سامانه های منجم اونلاین در بنیاد حیات اعلی	۸۵





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِلَيْهِ خَيْرٌ نَاصِرٌ وَمَعِينٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدًا

قال الله العلي العظيم في كتابه العلي الحكيم: فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي التُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ

راهنمای طب نجومی یا تنجیم طبی (۱)

ارتباط اجزای احسام، مستی

بانشانه های فلکی و نجوم و کواکب آسمانی

راهنمای اطباء و مہجنان کهن و اسلامی در حوزه تشخیص طیبی و مدیریت درمان

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشرف علی: داسر المعارف الإلهیة

تحقیق و تدوین:

پژوهشگر علوم طب جامع و پژوهشگر تقویم نجوم و تجسیم بنیاد حیات اعلی

پیش نیاز کاربرد راه‌نمای طب نجومی یا تنجیم طیبی

اگر شما تاکنون با دانش‌های تقویم نجوم، تنجیم کهن و اسلامی آشنایی نداشته‌اید، برای کاربرد بهتر راه‌نمای طب نجومی یا تنجیم طیبی ابتدا از هفته‌نامه آموزشی راه آسمان شماره ۱۰۰ زیر را مدت مطالعه نمایید:

آشنایی کلی با تقاویم نجومی بنیاد حیات اعلی

راه آسمان ۴۹ = راهنمای عمومی تقاویم نجومی بنیاد حیات اعلی

راه آسمان ۵۱ = راهنمای تقویم فشرده قمری

راه آسمان ۱۹۳ = راهنمای تقویم نجومی شرعی

راه آسمان ۹۷ = راهنمای تقویم نجومی همگانی (پیشرفته)

راه آسمان ۱۴۵ = راهنمای تقویم نجومی تخصصی

راه آسمان ۴۷ = افق جهانی KMT مبنای اوقات فلکی تقاویم نجومی بنیاد حیات اعلی

راه آسمان ۵۲ = جداول تفاوت ساعت نجومی بلاد جهان با مکه مکرمه

راه آسمان ۷ = منابع پژوهشی تقاویم و مرسولات نجومی بنیاد حیات اعلی

آشنایی عمومی با دانش تنجیم کهن و اسلامی

راه آسمان ۳ = در معرفت علم نجوم و علم تنجیم

راه آسمان ۸ = ایام فراغت از دنیا و اختصاص به عقبا

راه آسمان ۹ = نحوست یا نامناسبیت

راه آسمان ۱۰ = انجام امور در اوقات محذوره

راه آسمان ۱۱ = اهمیت علم تنجیم یا نجوم احکامی و بیان علمی و واقعی بودن

علم بلایا و منایا

راه آسمان ۱۲ = هنگام نیکو و خجسته

راه آسمان ۱۳ = علم اختیارات یا هنگام شناسی

راه آسمان ۱۵ = هنگام شناسی نور قمر

راه آسمان ۱۶ = ویژگیهای متولدین بروج شمسی

راه آسمان ۱۹ = هنگام شناسی وجوه قمر

راه آسمان ۲۰ = تنجیم و تدبیر

راه آسمان ۲۷ = هنگام ازدواج و انعقاد

راه آسمان ۲۸ = منظومه خواجه نصیر در اختیارات قمر در بروج اثناعشر

راه آسمان ۳۰ = هنگام شناسی قمر در بروج

راه آسمان ۳۳ = ارتباط هنگامها (۱)

راه آسمان ۳۵ = تقاویم نجومی و کاربرد تنجیمی

راه آسمان ۳۷ = آشنایی با علم نجوم و تنجیم کهن

راه آسمان ۳۹ = آشنایی با ساعت فلک

راه آسمان ۴۱ = راهنمای ساعت فلک

راه آسمان ۴۳ = تنجیم خسوف و کسوف

راه آسمان ۴۸ = مدیریت اختیارات

برای دریافت آنها از غرفه **راه آسمان** که در آدرس زیر می باشد؛ استفاده نمائید:

<http://Aelaa.net/Fa/viewtopic.php?f=52&t=35>

مبانی دینی دانش نجوم و تنجیم را مستقلاً بیان کرده ایم و فوقاً به اثر مربوطه

آن اشاره نمودیم، اما بجهت تبرک و فتح ابواب انوار الهی این کتاب را با کلام

حضرت مولا علی علیه السلام آغاز می کنیم.

ارتباط نشانه‌های فلکی با اوصاف و القاب حضرت مولا علی علیه السلام

حضرت مولا علی علیه السلام فرمود: أنا دلیل السموات،... أنا سَمَنْدَلُ الأَفلاكِ،... أنا قطب الدّیجور،... أنا شرف التّوایر،... أنا کیوان الکیهان،... أنا شهاب الإحراق،... أنا سهام الفراق،... أنا شعاع العساعس،... أنا جَوْنُ الشّوامسِ،... أنا السّقف المرفوع،... أنا الشّعری والزّبرقان،... أنا قمر السّرطان،... أنا أسد الثّرتة،... أنا سعد الزّهرة،... أنا مشتری الكواکب،... أنا زحل الثّواقب،... أنا غفر الشّرطین،... أنا میزان البطین،... أنا حمل الإکلیل،... أنا عطارد التّفضیل،... أنا قوس العراک،... أنا فرقد السّماک،... أنا مرّیخ القِران،... أنا عیون المیزان،... أنا حارس الإستراق،... أنا أميرالتیرین،... أنا آية القمر،... أنا هلال الشهر،... أنا والله وجه الله،... أنا والله أسد الله،... أنا سیّد العرب،... أنا کاشف الكرب،... أنا الَّذی قیل فی حقّه: لا فتی إلا علی،... أنا لیث بنی غالب،... أنا علی بن أبی طالب. (علیه صلوات الله العلی الوهاب)



(ترجمه) منم راهنمای آسمانها، منم سَمَنَدَل (مرغ جاویدان) افلاك (گردونه های گیتی)، منم قطب و محور سیاه جایهای افلاك (سیاهچاله ها)، منم شرف و بلندای دوایر فلکی، منم کیوان کیهان، منم شهاب سوزاندن، منم سهام فرقدان (دوستاره نزدیک قطب سماوی و یا برج جوزا)، منم شعاع (ستارگان) نوربخش تاریکیهای شب، منم چشمه و معدن درخشندگی خورشیدها، منم سقف بالاشده (آسمان)، منم ستاره شعری و ماه شب بدر (تمام)، منم ماه برج سرطان، منم برج آسد منزل ستاره نثره، منم خجستگی کوکب زهره، منم مشتري (خجسته ترین) کواکب، منم زحل کواکب فروزان، منم منزل غفر و شَرطین، منم برج میزان و منزل بطین، منم برج حمل و منزل اکلیل، منم عطارد برترین، منم برج قوس جنگاور، منم ستاره بلند سَمَاک، منم مریخ قِران، منم چشمه های برج میزان، منم نگهبان (منع) استراق از آسمانها، منم امیر نیرین (خورشید و ماه)، منم آیت قمر، منم هلال ماه، به خداوند سوگند منم وجه الله، به خداوند سوگند منم شیر خدا، منم سرور عرب، منم کاشف الکرّب، منم آنکه در حق او گفته شده: لا فتی إلا علیّ (نیست جوانمردی مگر علیّ)، منم شیر فرزندان غالب (جد خاندان بنی هاشم)، منم علیّ بن ابي طالب. (بر او باد صلوات الله علیّ واهب).

میل علی

جلوه حکمت الهی در طب نجومی یا تنجیم طبی

❏ آنچه در این جهان هستی رخ می دهد؛ از ایجاد و تغییر و فناء و زوال و دوام همه به حکم حق الله تعالی جل شأنه می باشد، که از مجاری علوی و آسمانی نازل و به اسباب سفلی و زمینی ظاهر می گردد. یعنی امر همه وقایع عالم هستی (از تکون افلاک و حدوث کرات و نجوم گرفته؛ تا نشستن يك قطره شبنم بر گل برگی) از حظیره قدسیه اراده الهی صادر و بوسیله ملائکه عظام (چهار مَلَك) و مقربین (حاملان عرش) و سایر اصناف ملائکه بر جهان نازل می گردد.

❏ حکمای الهی عوالم وجود را سه دسته نموده اند:

- ۱- عالم اعلی (برترین) که فراسوی ملکوت و روحانیت افلاک را اشارت دارد.
- ۲- عالم علوی (زبرین) که ملکوت و روحانیت افلاک را دلالت دارد.
- ۳- عالم سفلی (زیرین) که آنچه مادون افلاک و کواکب سبعة تا کوكب قمر، تا روی زمین و زیر زمین و فرو سوي آن از سفلیات را حکایت دارد.

❏ و موجودات عالم اجسام را نیز در سه جنس "جماد و نبات و حیوان" دسته بندی نموده و آنها را موالید یا مَوْلَدَات ثلاثه نامیده اند. و اجزاء کلی عالم اجسام و ارکان آنرا عناصر اربعة نامیده اند، که آتش و هوا و آب و خاک اند.

❏ برای آشنایی با موضوع "ارتباط طبیعیات و همه اجزاء عالم اجسام با نشانه های فلکی و نجوم و کواکب آسمانی" کلامی را از حکیم طبیب علوی عقیلی خراسانی در کتاب "مخزن الأدوية" اقتباس و نقل می کنیم، و بر حسب نیاز آنرا با توضیح برخی موارد مشحون نموده ایم:

ارتباط طبیعیات و همه اجزاء عالم اجسام با نشانه‌های فلکی و نجوم و کواکب آسمانی

✿ اجناس ثلاثة (جماد، نبات، حیوان) متکون و مترکبند از امتزاج عناصر اربعه به تأثیر کواکب سبعة سیاره (زحل و مشتری و مریخ و شمس و زهره و عطارد و قمر) به اعانت ثوابت و نظرات هر یک با یکدیگر، به تحریک افلاک دوّار، به امر پروردگار جل و عز.

✿ و چنانچه سبعة سیاره و علویات را دو قوت است، هر یک از ارکان (اربعه) سفلیات را نیز دو طبیعت است: یکی فاعله و دیگری منفعله؛ فاعله حرارت و برودت، و منفعله رطوبت و یبوست است. یعنی:

آتش که طبعش گرم و خشک است، طبیعت فاعله اش حرارت، و طبیعت منفعله اش خشکی است، پس آتش به حرارت در اجسام تأثیر می‌گذارد، و اجسام به اثر خشکی حاصله از آتش منفعّل می‌شوند.

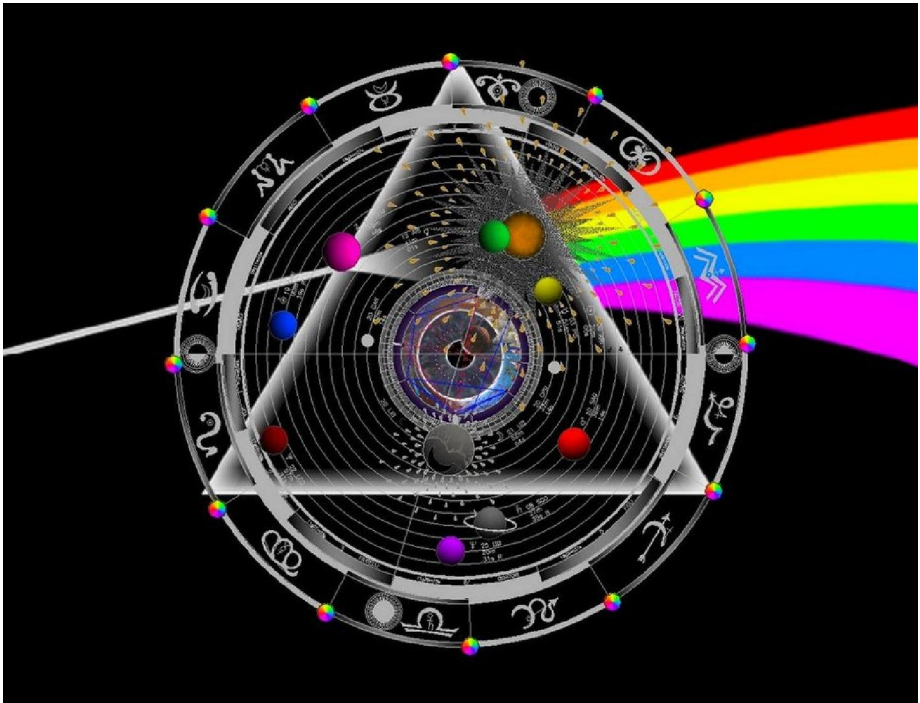
هوا که طبعش گرم و رطب است، طبیعت فاعله اش حرارت، و طبیعت منفعله اش رطوبت است، پس هوا به حرارت در اجسام تأثیر می‌گذارد، و اجسام به اثر رطوبت حاصله از هوا منفعّل می‌شوند.

آب که طبعش سرد و رطب است، طبیعت فاعله اش برودت، و طبیعت منفعله اش رطوبت است، پس آب به برودت در اجسام تأثیر می‌گذارد، و اجسام به اثر رطوبت حاصله از آب منفعّل می‌شوند.

خاک که طبعش سرد و خشک است، طبیعت فاعله اش برودت، و طبیعت منفعله اش یبوست است، پس خاک به برودت در اجسام تأثیر می‌گذارد، و

اجسام به اثر یبوست حاصله از خاک منفعل می شوند.
 و چنانچه سبعة سیاره خصوصا علویات شمس را دو قوت است، و سه کوکب
 دیگر تابع و مشارک علویات اند. زهره مشارک مشتری و عطارد مشارک زحل
 و قمر مشارک شمس.

و همه کواکب و علویات دارای روحانیتی است که مدبر آنست، هریک از
 آن روحانیات مسمی و مرتبط است به ملکی از ملائکه عظام عظیمات، مثلا
 روحانیت زحل را به عزرائیل عزرائیل ملک الموت قابض ارواح مربوط دانند، و
 روحانیت مشتری را به میکائیل میکائیل مالک ارزاق منسوب کنند، و روحانیت
 مریخ را به اسرافیل اسرافیل نافخ صور منتسب نمایند، و روحانیت شمس را از
 جبرئیل جبرئیل حامل وحی و تنزیل و الهام شمرند.



🌟 و آنچه در این عالم سانح و واقع می گردد بحکم حق جل شانه از تأثیر آنهاست:

۱- خواه در قعر زمین و جبال و سواحل باشد، از ترکیب زیبق و کبریت، که ماده معدنیات است، به اختلاف مراتب آنها، از لطافت و کثافت و صفا و کدورت، و تساوی هر دو و یا قلت و کثرت یکدیگر.

۲- و یا نزدیک به سطح زمین، خواه بی توسط بذر و تخم و نواة؛ که اعمال آدمی را در آن دخل و تصرف نباشد، که گیاه ها و اشجار خودرو باشند، و یا دخل و تصرف باشد، که انواع زراعتها و غرس اشجار و ترکیب بعض انواع با بعض است، که نباتات باشند و آیه کریمه وافی هدایه: (و فی السماء رزقکم و ما توعدون) به یک معنی اشاره بدان است، زیرا که بدون نزول باران و تأثیر آفتاب و سایر کواکب بر اراضی، انواع نباتات و حبوب و اثمار و حیوانات که غذای حیوان و انسان است به هم نمی رسند، و نزول رحمت و برکت و فیض و بهشت و نعم موعوده آن، به اعتبار رفعت و علو شأن و منزلت معبر از سماء و در سماء و فوق آن است.

۳- و یا بر روی زمین، خواه در سوراخهای زمین؛ و یا جبال و خاکها و زمینهای نمناک و گودالها و نیزارها و امثال اینها، بی نتاج و جمع نر با ماده، که انواع هوام و حشرات باشند، و یا به نتاج که بعض اینها و انعام و دواب سهلی و جبلی و اهلی و وحشی باشند، و یا به تعمل و صنعت انسان، که جفت نمایند بعض انواع را با بعض دیگر، مانند استر که از جمع الاغ با فرس است، و بز اهلی با بز وحشی، و گاو اهلی با گاو وحشی، و از این قبیل و یا صنفی به صنف دیگر، که انواع حیوانات باشند به اختلاف اصناف خود.

۴- و یا در هوا، یعنی پرواز نماینده خواه صغیر الجثه باشند و یا کبیر الجثه، و بر

اشجار و شکاف دیوارها و کوهها آشیانه و خانه بسازند، که انواع طیور باشند، به اختلاف اصناف خود.

۵- و یا در آب تکون یابند، خواه به طریق نتاج، و یا بدون آن، که انواع حیوانات مائی باشند، به اختلاف اصناف خود از اصداف و حلزونات و کرمها و سمک مُفَلَّس و غیر مفلس، و غیرها از اصناف حیوانات مائی.

🌸 و هریک از این مولدات ثلاثه را اِغْذَاء و غذائیسْت خاص، بتوسط تأثیر آن کواکب و قوائی که حق (جل و عز) به هریک از این انواع ثلاثه به قدر احتیاج و قابلیت عطا فرموده، از جاذبه و ماسکه و هاضمه و دافعه و غذیه و نامیه و مولده.

□ و چون این قوای سبعة در جمادات بسیار ضعیفند، و تمیز تامی ندارند، لهذا آنها را صاحب آن قوی نمی دانند.

□ و در نباتات چون قوی و صاحب آنها تمیز تام دارند، صاحب آنها و آنها را قوای نباتیه گفته اند. و غذای نباتات از لطائف اجزای مائیه و ترابیه مختلط با هم است، که ریشه و بیخ گیاه و شجر جذب نموده، نشو و نما می یابند، و به تدریج بواسطه عروق و پوست درخت به ساق و شاخ و برگ و گل و ثمر و بذرو نواة می رسانند، و هریک آنها آن را غذای خود می نمایند. و چون تغذیه و تنمیه و تولید بذر و نواة و یا فصیل و شاخه های اطراف بعض اشجار (که به منزله تولید مثل است) بدون هضم اربعه در هریک از مواضع متصور نیست، و لیکن چون در نباتات ضعیف است؛ در آنها چندان اعتباری نمی نمایند، و الا عندالتحقیق آنها نیز خالی از آن نیستند، و غدد که بر تنه اشجار و بیخ آنها به هم می رسد، فضول هضم اول و ثانی است به مراتب، و صموغ و البان و یتوعات، و آب جاری از تنه بعض اشجار و کفی که در بیخ اوراق و اوراق بعض

نباتات مجتمع می گردد، فضول هضوم ثلاثه آنها است.

□ چنانچه در بدن حیوانات براز و بول و عرق، و عندالغلبه و حدت خون؛ به رعاف و بول الدم و قیء الدم و بواسیر و حیض و حمره و اورام و بشور و دامامیل و جرب و غیرها، و دم فاسد و صفرا و سوداء و بلغم نیز به امراض مذکوره و غدد و غیرها و سائر امراض مختصه و غیر مختصه دفع می گردد.

🔸 و معالجه و تدبیر طیب در امراض بدنی از جمله اعمال و تصرفات آدمی است در ابدان، و در امراض نفسانی و روحانی تصرف او است در نفوس و ارواح، و نظرات کواکب را نیز در آن دخل است.

🔸 و بدانکه هر مرتبه از موالید ثلاثه پیوسته به مرتبه دیگری است یعنی:

□ افق اعلائی جمادات پیوسته به ابتدای نباتات است، و جمادات متکونه آن مرتبه؛ از نباتیت نیز بهره ای دارند، مانند حجر الیهود و مرجان، و سنگی دیده شد به عینه به شکل ماهی مفلس، به قدر یک شبر طفل ده دوازده ساله، و در صلابت و ثقل و جوهر مانند حجر الیهود و سفید.

□ و مرتبه اول نباتات؛ گیاه و اشجاری هستند که از جمادیت نیز نصیبی دارند مانند نباتاتی که در سواحل بعض دریاها (که کوهستان است) می رویند، خواه تمام آنها دایم زیر آب، و خواه قدری بیرون، به سبب جزر و مد و غیر آن باشد.

□ پس از آن نباتات و اشجار ضعیفه، و به تدریج تا قویه؛ تا تمام اجزای سبعه نباتیه رسند.

□ و افق اعلائی نبات پیوسته به مرتبه اول حیوان است، و یا به خاصیت مانند نخل و نارجیل و فوفل که چون سر درخت آنها را ببرند دیگر ثمر نمی دهند و تا گرد ثمر درخت نخل نر به ماده (که لقاح و فحل گویند) نزنند نخل ماده ثمر

خوب نمی دهد، و میل می نماید سر نخل نر به سوی نخل ماده، و چون تمام پوست تنه کل اشجار را جدا کنند خشک می گردند.

🌸 و نباتات انواع و اصنافند:

□ بعضی از آن قبیلند که در یک روز می رویند، و در همان روز برطرف می گردند.

□ و بعضی در چند روز تکون می یابند و به کمال می رسند، و چند روز می مانند، مانند ریاحین و گلها.

□ و بعضی به کمتر از سه ماه تکون نمی یابند، و به ثمر نمی آیند مانند خیار و بادرنگ، و بقول و خضراوات و بعضی زراعتها. و بعضی بعد از چهار ماه مانند هندوانه و خریزه و کدو و امثال اینها که بیاره و ساق ایستاده ندارند.

□ و بعضی بعد از نه ماه، مانند اکثر حبوب و بذور مانند جو و گندم و برنج و ذرت و دخن و امثال اینها، مانند تکون جنین در رحم. و لهذا اکثر غذای افسان از این حبوب است به مناسبت. و اما در ملک بنگاله و بلادی که حرارت و رطوبت بر آن غالب باشد از اقلیم دویم، به کمتر از این ایام مذکوره تکون و اتمام می یابند.

🌸 و بدانکه هر یک از اجزای نبات و شجر به منزله عضوی است از اعضای حیوان مثلاً:

□ بیخ و ریشه به منزله سر و اعصاب و عروق آن است، و به اعتباری به منزله کبد آن است.

□ و تنه درخت به منزله ظهر و پشت آن .

□ و پوست و عروق آن به منزله پوست و عروق حیوان.

□ و شاخها و اوراق آن به منزله دست و پا و انگشتان.

□ و گل و ثمر آن به منزله نطفه و نتیجه و اولاد،

□ و خار آن به منزله شاخ و ناخن و منقار.

👉 و اول مرتبه حیوان، حیوانات ضعیفه اند، مانند کرمها و هوام و حشرات که از قوای دوازده گانه حیوانی (که پنج حس ظاهر و پنج حس باطن و قوه شهوی و غضبی است) بهره بسیار کمی دارند، بلکه بعضی- صاحب سه قوت و بعضی- چهار قوت و بعضی پنج قوتند. و هم چنین تا به تمام آنها با آن هفت قوت نباتیه مذکوره یعنی تا به تدریج به حیوان تام قوی کامل صاحب آن دوازده قوت رسد، که مسوخات باشند، از خرس و میمون و فیل و غیرها.

و از انواع حیوانات بعضی که آن را انسان جنگلی می نامند یعنی نسناس که به هندی بنامان نامند، و بسیار با حس و ادراک و شعور می باشند، الا آنکه نطق و تکلم ندارد، و به اشاره اکثر چیزها را می فهماند و می طلبد، و این حیوانات در آخر مرتبه حیوانیت هستند، و پیوسته به اول مرتبه انسانیت؛ که انسان ضعیف الخلقه اند. و نسناس بهره بسیار کمی از مزیت انسانیت دارد. و انسان ضعیف الخلقه از این مزیت بهره کمی دارد.

👉 اما انسان دارای شرافت و مزیت انسانیت و فیضی که جناب اقدس الهی زیاده بر کل مخلوقات به او عطا نمود، که به منزله فصل و ما به الامتیاز آن است از حیوانیت و غیرها، که نطق و ادراک کلیات و اظهار و تعلیم و تفهیم ما فی الضمیر خود به دیگری، و تعلم و تفهیم ما فی الضمیر دیگری است، و معرفت صانع جل ذکرة، و این انسانها نیز مراتب دارند از دارای مزیت انسانیت و معرفت تا سایر مراتب عالیه، تا برسد به مرتبه کاملین انسان، که بهره تمام و وافر دارند، مانند انبیاء و اولیاء الهی علیهم السلام.

﴿ و حکما تشبیه نموده اند:

- جمادات را به انسان خوابیده؛ بلکه مرده،
- و نباتات را به انسان خوابیده؛ معکوس و سر به زیر زمین و پاها بیرون و بالا،
- و حیوانات را به انسان مدهوش؛ به چهار دست و پای رونده،
- و انسان را به حیوان و انسان هوشیار با عقل و تمیز.

تتمیم و توضیح

آنچه از قدما در مقدمه سابقه از "تقسیم اجسام به اجناس ثلاثه" نقل شد، بر حسب محسوسات عادی عامه بشر (بدون ابزار خاص یا دانش مخصوص) بوده، که از کودک تا کهنسال، و عامی تا عالم آنرا درک کند، و در مقام حصر- و تقسیم تفصیلی عقلی تمام اصناف مخلوقات در این مقال نبودند. اما جهت روشنی اذهان و تکمیل بیان؛ می توان اصناف مخلوقات عالم هستی را سه قسم نمود:

- ۱- موجودات فرایافته، ۲- موجودات یافته، ۳- موجودات فرابایافته که از مجموع آن دو هستند.

۱- موجودات فرایافته: تمام موجودات فراتر از عقول و حواس عامه بشر، مانند موجودات در عوالم غیر ارضی (از اجرام فلکی، و سماوی و فراتر از آنها چون ملائکه، اشباح و ارواح) و یا آنچه در عالم ارض و فروتر از آن چون جن و مانند آن می باشد.

۲- موجودات فرابایافته (فرایافته+یافته): مانند آن حالت که ملائکه به صورت بشر ظاهر شوند، یا جن به صورت حیوان، و یا ارواح به صورت انسان.

۳- موجودات یافته: آنچه به حواس عامه بشر قابل دریافت است، که این قسم خود سه دسته است:

(الف): موجودات نامرئی: همچون امواج و اشعه و انوار و اکثر گازها، و نیز اجسام فروحس بشری مثل اتم و الکترون و اجزاء فروتر از آنها.

(ب): موجودات مرئی: همه اجسامی که در اجناس و صورتهای: برخی از گازهای مرئی، جامدات، مایعات، نباتات، حیوانات، و افسان منحصر است.

(ج): موجودات مرکب: از آن دو دسته، مانند اورانیوم (جامد و متشعشع).

البته آنچه در این متمیم نیز بیان شد، به صورتی بسیار گذرا و اشاره بوده، و در قالب عناوینی کلی تبیین گردید، و الا هریک از این عناوین تفصیلاتی دارد، بطور مثال درباره "نباتات و حیوانات": بنابر آخرین تحقیق علمی (با شرکت ۲۷۰۰ دانشمند از ۸۰ کشور جهان) حد اقل انواع موجودات زنده روی زمین حدود ۸،۷۴۰،۰۰۰ گونه است، که شامل حدود ۷۷۷۰۰۰۰ گونه جانوری، ۲۹۸۰۰۰ گونه گیاهی و ۶۱۱۰۰۰ گونه قارچ می باشد، که در سراسر زمین پراکنده است، و بیشتر آنها در اعماق اقیانوس و زیر سطح زمین زندگی می کنند. آمار فوق الذکر حداقل تعداد گونه های حیاتی مذکور می باشد، که تاکنون فقط ۱۰٪ از آنها (۱،۲ میلیون گونه موجود زنده) شناخته شده، و هر سال حدود ۱۵ هزار گونه جدید نیز شناسایی می شود. با چنین سرعتی ۵۰۰ سال طول می کشد تا تمام موجودات (حداقل تخمین) پیش بینی شده شناسایی شوند، اما دانشمندان امیدوارند با پیشرفت فناوری؛ تا پایان قرن حاضر تمام گونه های مذکور حیات روی زمین شناسایی شوند. البته مجموع گونه های موجود (از شناخته و ناشناخته) تا مرز ۱۰۰ میلیون گونه تخمین زده می شود، همه این گونه ها تنها در زیر دو عنوان "نبات" و "حیوان" دسته بندی می شوند. وسبحان الله العظيم، الخالق المصور البديع، صانع كل شیء ورازقه، یسبح له ما فی السموات والأرض، وهو العزيز الحكيم.

منسوبات کواکب سبعة سیاره متعلقه به علم طب

اموری در طبابت ملحوظند، ارتباط شان با کواکب سبعة را حکمای الهی بیان نموده اند، در برخی موارد که نیاز بوده؛ توضیح و تکمیل شده است:

۱- طبایع کواکب:

- ۱- زحل: سرد و خشک به افراط.
- ۲- مشتری: گرم و تر به اعتدال، و گرمی از تری بیشتر دارد.
- ۳- مریخ: گرم و خشک به افراط.
- ۴- شمس: گرم و خشک به اعتدال.
- ۵- زهره: سرد و تر به اعتدال.
- ۶- عطارد: در گرمی و سردی و تری و خشکی به هم نزدیک است، و خشکی را اندکی افزون، و به هر کوبی که بیامیزد مزاج آن گیرد.
- ۷- قمر: سرد و تر، تری آن بیشتر است.

۲- جنسیت کواکب:

- ۱- زحل: مذکر ولی همچون اخته گفته اند.
- ۲- مشتری: مذکر.
- ۳- مریخ: مذکر.
- ۴- شمس: مذکر.
- ۵- زهره: مؤنث.
- ۶- عطارد: مذکر، مانند خنثی، بر حسب امتزاج: با ذکور مذکر و با اناث مؤنث.
- ۷- قمر: مؤنث.

۳- نهاری و لیلی از کواکب:

- ۱- زحل: نهاری.
- ۲- مشتری: نهاری.
- ۳- مریخ: لیلی.
- ۴- شمس: نهاری و صاحب نوبت روز.
- ۵- زهره: لیلی.
- ۶- عطارد: نهاری، و در صورت امتزاج متغیر است برحسب امتزاج: با نهاری نهاری و با لیلی لیلی.
- ۷- قمر: لیلی و صاحب نوبت شب.

۴- عُلوی و سُفلی از کواکب:

- ۱- زحل: عُلوی.
- ۲- مشتری: عُلوی.
- ۳- مریخ: عُلوی.
- ۴- شمس: مرکز و قطب.
- ۵- زهره: سُفلی.
- ۶- عطارد: سُفلی.
- ۷- قمر: سُفلی.

۵- سعادت و نحوست کواکب:

- ۱- زحل: نحس اکبر.
- ۲- مشتری: سعد اکبر.
- ۳- مریخ: نحس اصغر.

- ۴- شمس: سعد است به نظر و نحس است به ذات.
- ۵- زهره: سعد اصغر.
- ۶- عطارد: به ذات مائل به سعادت، و بر حسب امتزاج سعد و نحس شود.
- ۷- قمر: سعد است به نظر، و به ذات قابل نحوست.

۶- نسبت عناصر به کواکب:

- ۱- زحل: خاک.
- ۲- مشتری: هوا.
- ۳- مریخ: آتش.
- ۴- شمس: آتش قریب به هوا؛ مکیف به آن.
- ۵- زهره: هوا قریب به آب؛ ممزوج به آن.
- ۶- عطارد: خاک ممزوج به آب.
- ۷- قمر: آب و هر چه برودت و رطوبت بر آن غالب باشد.

۷- نسبت قامت و هیكل به کواکب:

- ۱- زحل: قصیر (کوتاه).
- ۲- مشتری: معتدل (میانه).
- ۳- مریخ: طویل (دراز)
- ۴- شمس: اشیاء مستدیر (گرد) با لمعان (درخشش) و تخلخل (عدم فشردگی).
- ۵- زهره: مربع (چهارسوی).
- ۶- عطارد: بین برخی از کیفیات مذکور.
- ۷- قمر: اشیاء گرد بی لمعان (درخشش) و بی تخلخل (فشردگی و تراکم).

۸- نسبت الوان به کواکب:

- ۱- زحل: سیاه و رصاصی، سیاهی سخت سیاه، و سیاهی آمیخته به زرد.
- ۲- مشتری: سفید با زردی و گندم گون و درخشان.
- ۳- مریخ: سرخ تیره.
- ۴- شمس: نارنجی درخشان براق، و گفته اند: رنگ آن متغیر و بر حسب رنگ کوکب صاحب ساعت است.
- ۵- زهره: زرد مایل به سفیدی و سمرت گندم گون و حضرت را نیز گفته اند.
- ۶- عطارد: رنگ اغیر (کدر) مرکب از سواد و زردی مانند مرداسنگ و آسمانچونی (آسمان گونه ای: آبی تیره ممزوج به خاکستری) است.
- ۷- قمر: زرق و بیاض غیر خالص از حمرت و صفرت و کدورت و کمودت.

۹- نسبت کیفیات مشمومه (بو) به کواکب:

- ۱- زحل: ابشع (ناخوشایند)، و آنتن (بدبو) و کریه الراجحه و گند از اشیاء.
- ۲- مشتری: اطیب (خوشبو) الاشیاء، بوی معطر شیرین.
- ۳- مریخ: بوی ناخوش از ترشیدگی.
- ۴- شمس: بوی تیز و تند و گرم.
- ۵- زهره: بویهای معطر ریاحین و گلها.
- ۶- عطارد: ممتزج از بویها یا میانه دو نوع از آنها.
- ۷- قمر: بوی مایل به ترشی.

۱۰- نسبت کیفیات ملموسه به کواکب:

- ۱- زحل: ابرد (سرد)، و اصلب (سخت)، و اقدر (کثیف)، و اثقل (سنگین) یابس (خشکی ذاتی) اشیاء.

۲- مشتری: احسن (نیکویی) و اَتم (تام) و اسلس (خوش دست) اشیاء. و معتدل در امور و کیفیات مذکوره.

۳- مریخ: احَرّ (گرمترین)، و اخشن (خشن)، و احدّ (تیز و برنده)، و اجف (خشکی عارضی) اشیاء.

۴- شمس: الطف (لطف) و اکمل (کامل) و اشرف (ارزنده).

۵- زهره: ازکی (پاکیزه) و انعم (بافایده) و اجمل (زیبا)، و لّین (نرم) اشیاء و سیال (سیلان و روان بودن).

۶- عطارد: ممتزج از برخی از کیفیات مذکوره.

۷- قمر: اغلظ (غلظ) و اکثف (متراکم) و اخف (سبک) و ارطب (مرطوب) اشیاء.

۱۱- نسبت کیفیات مذوقه (طعم) به کواکب:

۱- زحل: ابشع (ناخوشایند)، و ترشی زننده، و اقبض و اعفص اشیاء (بسیار قابض و گس).

۲- مشتری: املس (نه ترش و نه شیرین یا مرکب از این دو) و احلا (شیرین بسیار) و ادسم (چرب بسیار) الاشیاء.

۳- مریخ: حراقت (طعم تند سوزنده)، و مرارّت (تلخی) بسیار، و ملوحت (شوری) بسیار، و زعوقت (بدطعمی از تلخی و شوری).

۴- شمس: حراقت و تیزی لطیف.

۵- زهره: الذ (لذیذ) اشیاء و گواراتر، و چربی به اندکی شیرینی.

۶- عطارد: ممتزج از طعوم.

۷- قمر: هر شیئی کمی ترش، یا کمی شور، و یا تفه (بی مزه و خام).

۱۲- نسبت امکانه به کواکب:

- ۱- زحل: جبال یابسه که در آنها چیزی نروید و چاهها.
- ۲- مشتری: اراضی سهله کثیر المیاء.
- ۳- مریخ: اراضی صلبه (سخت) سبخه (شوره زار).
- ۴- شمس: جبال معادن.
- ۵- زهره: اراضی کثیر المیاء.
- ۶- عطارد: اراضی رملی.
- ۷- قمر: اراضی مستوی قاع صفصف خالی (بیابان هموار خالی از گیاه).

۱۳- نسبت معادن و فلزات و احجار به کواکب:

- ۱- زحل: احجار صلبه؛ اُسْرُب (سُرب سیاه)، مرتک (مرتج، مرداسنگ: از محصولات سرب) و خبث الحديد (ریم آهن: سرباره کوره آهن، پوکه شراره ها)، و زاج، و سنگهای زینتی بسیار سیاه رنگ و اغبر.
- ۲- مشتری: مرقشيثا (Marcasite)، و توتیا (از ترکیبات روی)، و کباریت (گوگرد سفید زرد سرخ)، و زرانیک (زرنیک سفید زرد سرخ)، و حجر مرارة البقر (مرارة الثور: سنگ صفراي گاو)، شبه فایق (شبه طلا: مس رنگ زرد شده = طلاي بدلي)، و سفید روی (مس سفید شده: مس + رویه قلع)، برنج نیکو (نحاس اصفير صفر: = مس + روی) و رصاص قلعی (سرب + قلع = سرب سفید)، یاقوت سفید و زرد، الماس، هر سنگ زینتی سفید و (ممزوج با) زرد.
- ۳- مریخ: سنگ مغناطیس، و حديد (آهن)، و زنجفر (شنگرف)، و سنگهای سرخ تیره، و شادنج (Hematite).
- ۴- شمس: طلاي خالص (الذهب الابریز)، و رخام (مرمر)، کباریت و زجاج

فرعونی (آبگینه طلايي رنگ) و زفت (قیر)، و یواقیت (انواع یاقوت)، و بیجادیق (شبییه یاقوت)، و لاجورد و سندروس، هر سنگ گرانبها و جواهر قیمتی.

۵- زهره: مغنیسا (منیزیم)، و کحل (سنگ سرمه)، و نحاس (مس سرخ)، و لؤلؤ (مروارید)، و زبرجد، و جذع.

۶- عطارد: نوره و زرنیخ (خاکستری و تیره)، و زیبق (سیماب: جیوه)، و مس پست (صفر ردی: نحاس اصف: مس زرد)، و برنج پست (صفر ردی: مس+قلع)، و روی (خارصینی)، و کهربا، و مرجان و فیروزه، و هر سنگ زینتی زرد و (مزوج با) سبز.

۷- قمر: فضه (نقره)، هر سنگ سفید رخو (نرم)، زجاج نبطی (آبگینه نقره ای رنگ) و دهنه (سنگ زینتی سبز از معادن مس)، و لؤلؤ (مروارید)، و بلور (کریستال) و احجار مشقه (شفاف)، حجر القمر (Moonstone).

۱۴- نسبت نباتات و زروع به کواکب:

۱- زحل: هر نبات و گیاه و حبّ بارد و یابس ضار (دانه سرد و خشک مضر).

۲- مشتری: هر شکوفه و گل و ریحان و گیاه خوشبو و طیب نافع.

۳- مریخ: خردل و کراث (تره) و سیر و پیاز و ترب و سداب و جرجیر و حرمل (اسفند) و بادنجان، و هر چیز تند و تیز؛ اندک آن نافع و کثیر آن مضر.

۴- شمس: نیشکر و شیرخشت و ترنجبین و شکر و هر چیز لطیف شیرین نافع.

۵- زهره: هر حب و تخم چرب روغندار و روغنها و شیرینبها و هر گیاه نافع ارجمند؛ با خار رنگین و پنبه.

۶- عطارد: بقول (حبوبات و بنشنها) و سبزیها به اقسام.

۷- قمر: عشب (هر گیاه خودرو) و خلفا و بردی (papyrus) و قطن و کتان و هر

چه برپا نایستد و نجم (بوته) باشد، مانند خیار و خیارزه (Ecballium elaterium) و خربزه و هندوانه و کدو و پلول (هندي) و غیرها.

۱۵- نسبت اشجار به کواکب:

۱- زحل: هر درخت عفص مانند بلوط، مازو، هلیله، بلیله، زیتون، فلفل، خروع، و هر درخت کریمه الطعم بد بو، و درختی که پوست ثمر آن ضخیم و زمخت و صلبه باشد؛ مانند: جوز، لوز، نارگیل، فوفل (میوه نخل هندي)، پسته و فندق.

۲- مشتری: هر درخت چرب و شیرین مانند انجیر، زردآلو، شفتالو، آلو، آلبالو، و کنار و آن شریک زهره است در فواکه.

۳- مریخ: هر درخت تلخ، تیز، حاد خارناک که ثمر آن یا تخم آن حریف (تند) با حموضت باشد مانند اراک و کبر و بلادر، و هر ثمری که با لبن و تیوعی (شیره سفید) باشد که زبان را بگزد، و عوسج نیز.

۴- شمس: هر درخت بلند که ثمر آنرا بخورند و چرب باشد مانند: نارگیل، چلغوزه، بادام، و هر چه ثمر خشک آن را نیز استعمال نمایند؛ مانند: نخل فوفل و اشجار مذکوره.

۵- زهره: هر درخت نرم املس خوشبو خوش منظر مانند سرو، ساج، تفاح (سیب) و سفرجل (به).

۶- عطارد: هر درخت قوی الرائحه مانند سرو، دیودار (صنوبر هندي)، صندل و عود هندي.

۷- قمر: هر درخت کوتاه ساق با شُعَب (شاخه) بسیار مانند انار شیرین و بادام شیرین.

۱۶- نسبت اثمار و حبوب به کواکب:

- ۱- زحل: فلفل، بلوط، زیتون، مر، و، زعرور، رمان حامض (انار رش)، کتان، عدس، اهللیج (هلبله) و آنچه بدینها ماند.
- ۲- مشتری: رمان حلو و املس (انار شیرین و ملس)، تفاح، ذره (ذرت)، حمص (نخود) و سمس (کنجد).
- ۳- مریخ: لوز مرّ (بادام تلخ) و حبه الخضراء.
- ۴- شمس: اترج، تین، عنب، تمر، بطیخ، حنطه، سلت، شعیر و حلبه.
- ۵- زهره: تین، تمر، عنب، شعیر و حلبه.
- ۶- عطارد: باقلی، لوبیا، ماش، کرویا و کزیره.
- ۷- قمر: شعیر، دخن، قثاء، خیار، هندوانه، کدو، تمر، و هر درختی که بر زمین پهن شود.

۱۷- نسبت حیوانات وحشرات به کواکب:

- ۱- زحل: هر حیوان سیاه رنگ و هر چه زیر زمین خانه سازد و باشد مانند: موش، یربوع، مار، خنفساء، هوام، حشرات، براغیث، گاو، بز، سمور، گربه و سنجاب.
- ۲- مشتری: مردم و بهایم اهلی و صاحب ظلف و خف مانند گاو و گوسفند و شتر و هر حیوان خوش رنگ حلال گوشت و هر حیوان معلّم شکاری مانند سگ، یوز و جوارح طیور.
- ۳- مریخ: شیر، پلنگ، گرگ، کفتار، خنزیر بری (خوک وحشی-)، سگ دیوانه، مارگزیده و هر سبّع (درنده) خبیث و مار و افعی
- ۴- شمس: غنم و نعجه (گوسفند و بز)، کبش (قوچ)، خیل (اسب)، تمساح،

غراب ابقع (زاغ).

۵- زهره: هر حیوان صاحب سم، سفید و زرد وحشی.

۶- عطارد: سگان شکاری و استر، روباه، خرگوش و هر حیوان کوچک خشکی و آبی.

۷- قمر: بقر (گاو)، ابل (شتر)، شاة (میش)، و هر حیوان مأنوس.

۱۸- نسبت طیور به کواکب:

۱- زحل: طیور آبی، طیور اهلی، غراب (کلاغ)، خطاف و نسور (شاهینها).

۲- مشتری: هر مرغ مستوی المنقار که خوراک آن حبّ و دانه باشد، و سیاه نباشد، و کبوتر، دراج، خروس، ماکیان و طاووس.

۳- مریخ: جوارح طیور کج منقار؛ که خوراک آنها گوشت باشد و هر طایر سرخرنگ و زنبور.

۴- شمس: عقرب، باز، قُمری، دباسی، رواشین، یمام، ساق حر.

۵- زهره: فاخته، عندلیب، جراد (ملخ)، و هر مرغی که دانه چیند و هر مرغ آبی.

۶- عطارد: بیغا (طوطی)، و هر مرغی که حکایت و تقلید انسان نماید در گفتار مانند: شارک، طوطی، نوری و هر مرغ ابلق دورنگ که پر آن منقش باشد.

۷- قمر: بط (اردک)، کرکی و هر مرغ آبی و هر مرغ کوچکی، و طواط، سرد، سوام و شقراق.

۱۹- نسبت اخلاط به کواکب:

۱- زحل: سودا و بلغم خام.

۲- مشتری: دم (خون) طبیعی صافی، و منی، و مغز.

۳- مریخ: صفرا حاد.

۴- شمس: صفرا معتدل و حررات غریزی.

۵- زهره: رطوبت غریزی.

۶- عطارد: سودا مخلوط به بلغم.

۷- قمر: بلغم و هر چه بلغمیت بر آن غالب باشد.

۲۰- نسبت قُوَى به کواکب:

۱- زحل: قوت ماسکه.

۲- مشتری: قوت نفسانیه و غاذیه و نامیه.

۳- مریخ: قوت غضبیه.

۴- شمس: قوت حیوانیه.

۵- زهره: قوت شهوانیه.

۶- عطارد: قوت مفکره یعنی فکریه.

۷- قمر: قوت طبیعیه.

۲۱- نسبت اعضاء بسیطه آدمی به کواکب:

۱- زحل: جلد (پوست)، شعر (مو)، ظُفر (ناخن)، عَظْم (استخوان).

۲- مشتری: آورده (وریدها) و مخ (مغز).

۳- مریخ: لحم (گوشت).

۴- شمس: دماغ و اعصاب و جانب ایمن (راست) از بدن.

۵- زهره: شحم (پپی) و سمن (چربی) و منی.

۶- عطارد: اعصاب، قوت ادراک.

۷- قمر: جلد، شعر، ظفر و جانب ایسر (چپ) از بدن.

۲۲- نسبت اعضاء مرکبه آدمي به کواکب:

- ۱- زحل: طحال، الیات (کفلها)، استخوان، اسافل اعضاء؛ از دبر و مصارین بول و براز (مخرج ادرار و مدفوع).
- ۲- مشتری: کبد، معده، امعاء، اعضای غذا، حلق و فخذین.
- ۳- مریخ: ساقان، مراره، کلیتان، مثانه و آلات بول.
- ۴- شمس: سر، سینه، دل، شش، پهلو، دهان و دندانها.
- ۵- زهره: رحم و مذاکیر و آلات مباضعه (آمیزش).
- ۶- عطارد: زبان، چشم، گوش و بینی.
- ۷- قمر: عنق (گردن) و دست و پا.

۲۳- نسبت آلات حواس آدمي به کواکب:

- ۱- زحل: سمع (شنوایی) و گوش راست را نیز گفته اند.
- ۲- مشتری: حس لمس (لامسه) و گوش چپ را نیز گفته اند.
- ۳- مریخ: شمّ (بویایی) و منخر (سوراخ بینی) ایمن را نیز گفته اند.
- ۴- شمس: بصر (بینائی)، و چشم راست را نیز گفته اند.
- ۵- زهره: آلات استنشاق، و منخر ایسر را نیز گفته اند.
- ۶- عطارد: ذوق (چشایی) و لسان را نیز گفته اند.
- ۷- قمر: چشم؛ و چشم ایسر را نیز گفته اند.

۲۴- نسبت امراض آدمي به کواکب:

- ۱- زحل: نقرس و علت‌های باطنی و سوداوی.
- ۲- مشتری: صحت و اعتدال مزاج.

- ۳- مریخ: حمّی (تب) و امراض حاده، صفراویه، دمویه، یرقان، اسقاط جنین، رعاف، ادرار طمث (باز کردن عادت ماهانه)، بواسیر و علل (بیماریهای) رحم.
- ۴- شمس: امراض صفراویه و دمویه غیر حاده.
- ۵- زهره: امراض بارده رطبه غیر مفرطه.
- ۶- عطارد: امراض بارده یابسه نه به افراط.
- ۷- قمر: امراض بارده رطبه بلغمیه.



پژوهشگرده ها و آموزشگرده های بنیاد حیات اعلیٰ

علوم معرفت الهی - علوم زبان وحی - علوم کلام وحی

علوم تلاوت کلام وحی - علوم کلام خازنان وحی - علوم فقه آئین الهی

علوم تقویم نجوم تنجیم - علوم طب جامع - علوم پاکزستی

آموزش برتر (اعلیٰ) - علوم برتر (اعلیٰ) - علوم توانمندی بانسروی الهی

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسی - رسانه های حیات اعلیٰ

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دار المعارف الإلهیة

۱۴۳۶

www.Aelaa.net

tanjim@aelaa.net

aelaa.net@gmail.com

والحمد لله رب العالمین